

# آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۵۸ آذر ۱۳۹۸

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

بمناسبت ۷۴- مین سالگرد نهضت ۲۱ آذر

هموطنان عزیز!

۲۱ آذر، برگی زرین در تاریخ مبارزات پرفراز و نشیب خلق آذربایجان و همه خلق های ایران، در راه کسب آزادی، دموکراسی و عدالت خواهی است.

۷۴ سال پیش، در چنین روزی، مردم سلحشور وقهرمان آذربایجان، تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان بپا خاست و همانند دوران انقلاب مشروطه ونهضت خیابانی، با سرپیچی از فرمان ناروای فرمانروایان مرتجع مرکز، و تلاش برای رهانیدن آذربایجان از چنگال ارتجاع رنگارنگ، ملاکان بزرگ، دیوانسالاران و ملیت پرستان افراطی ضد آذربایجان، اصلاحات گسترده ای در عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را آغاز کرد که در تاریخ کشورما و منطقه بی سابقه بود.

ادامه درص ۱۶

رزم پیگیر « فرقه دمکرات آذربایجان » در دهه

هشتم خود همچنان ادامه دارد

دکتر محمد حسین یحیایی



گروهی از رهبران و فعالان فرقه دموکرات آذربایجان  
زیر تصاویری از ستارخان-خیابانی، باقرخان و حیدرخان عموغلی

ماه آذر یادآور روز های سخت، دشوار ولی پر شور و نشاط در جنبش های مردمی آذربایجان است که در آن امید و یاس، پیروزی و شکست در هم آمیخت و ارتجاع را بار دیگر بر منطقه و آذربایجان حاکم کرد. جنبش توده ای ۲۱ آذر مشعلی در آذربایجان بر افروخت که قادر بود روشنی بخش همه مناطق ایران و حتا منطقه خاورمیانه باشد، از آن رو از همان روز های نخست جنبش آذربایجان که مبارزه خود را با فاشیسم آغاز کرده بود، مورد هجوم حاکمان مرتجع تهران و عوامل منطقه ای آنان که برخی شرمگینانه دل در گرو فاشیسم داشتند قرار گرفت و راه های مبارزه با این جنبش مردمی را با کاربرد حيله، نیرنگ و فریب با همکاری نیرو های خارجی خود جستجو کردند و پیش بردند تا آن را پیش از تاثیر گذاری در منطقه در نطفه خفه کنند، تا مانع از پخش خواسته ها، ایده آل ها و برنامه های این جنبش ملی در سایر مناطق کشور باشند.

ادامه درص ۲

فرخنده باد ۱۶ آذر روز دانشجو

گرامی باد روز اتحاد، مبارزه، پیروزی



سال از هجوم وحشیانه پلیس رژیم محمد رضا شاه به جنبش دانشجویی و به خاک و خون کشیده شدن دانشجویان مبارز دانشکده

فنی دانشگاه تهران، می گذرد. شصت سال است که پیشتازان جنبش دانشجویی کشور با وجود همه دشواری ها و با وجود اینکه شهدای زیادی در این راه داده اند، همچنان به پیکار دلیرانه بر علیه استبداد و ارتجاع ادامه میدهند. جنبش دانشجویی در طول سالهای طولانی همیشه فریادگر صادق خواستها و آرمانهای خلق های ایران بوده و در غیبت احزاب و سازمان های مترقی کشور بار آنها را نیز بدوش کشیده است.

ادامه درص ۱۰

۲۱ آذر حرکتی نین ۷۴- جو ایلدوونومو موناسیبیتیه

آذربایجان دنموکرت فیرقه سی مرکزی کمیته سی صدری نین تیریکی

عزیز وطنداشلار، دوستلار و یولداشلار!



اجازنیزله آذربایجان میلی حکومتین یارانماسی مناسیبیتی ایله هامینیزی اورکدن تیریک اندیب، سنوینجیمی سیزینله یولوشمک ایسته-بیریم.

۷۴ ایل اؤنجه تاریخی ضرورت اساسیندا

س.ج.پیشه وری و اونون سلاحداشلاری نین

آپاردیگی گرگین مبارزه نتیجه سینده ۲۱ آذر حرکتی نین غلبه چالاراق آذربایجان میلی حکومت یاراندی. آذربایجان میلی حکومتی، قاضی محمدین رهبرلیگی آلتیندا یارانان مهاباد جمهوری تیریکی ایله بیرلیکده قیسا زمان کسبگینده منطقه ده کؤکلو سیاسی، اقتصادی و مدنی دیشیکلرین باش وئر معسینه سبب اولدو.

ادامه درص ۱۲

ص ۱۴

فاجعه ای به نام نجات آذربایجان

جشن ۷۴ مین سالگرد نهضت ۲۱ آذر برگزارشد! ص ۱۵

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

رزم پیگیر «فرقه دمکرات آذربایجان»...

حاشیه شهر ها به دستفروشی و روز مزدی روی می آوردند، در این میان فعالیت حزب توده ایران که اولین کمیته ایالتی خود را در ماه های پایانی سال 1320 در آذربایجان تشکیل داده بود، تحرک و جنب و جوشی در منطقه بوجود آورده بود که به رادیکالیزه شدن جنبش کمک می کرد، شورای مرکزی اتحادیه کارگری که نخستین قانون جامع کار را در خاورمیانه به دولت تحمیل کرده بود با برگزاری کنفرانس، سمینار و افتتاح باشگاه های حزبی در مناطق مختلف آذربایجان به مشارکت مردم در سیاست یاری می رساند و جامعه استبداد زده دوران گذشته را متحول می کرد. از این رو شرایط برای تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان فراهم می شد. پنج نفر از رهبری سازمان حزبی ( صادق پادگان، غلام یحیی دانشیان، میرزاعلی شبستری، میر رحیم ولایی و محمد بی ریا ) که برخی در جنبش خیابانی و برخی دیگر در حزب کمونیست ایران فعال بودند تمایل به فرقه را نشان دادند. ( میرزاعلی شبستری سر دبیر روزنامه « آذربایجان » در کنفرانس ایالتی حزب که در سال 1323 تشکیل شده بود به علت انتشار مقالات ناسیونالیستی ترکی از حزب اخراج شده بود ولی همواره به انتشار روزنامه خود ادامه می داد و انجمن آذربایجان را برای حفظ فرهنگ و زبان ترکی تشکیل داد ) در این میان باید یادآور شد که « پیشه وری » و « شبستری » پیشتر ها « جبهه آزادی » را تشکیل داده بودند که با تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان همگی به آن پیوستند

فرقه دمکرات آذربایجان در 12 شهریور 1324 در تبریز از سوی آقایان پیشه وری، سلام اله جاوید و جعفر کویانی اعلام موجودیت کرد و بیانیه 12 شهریور خود را که به زبان ترکی و فارسی نوشته شده و مورد تأیید 48 نفر از افراد سرشناس تبریز قرار گرفته بود منتشر کرد، در مقدمه آن آمده است: ایران مسکن اقوام و ملل گوناگون است. این اقوام و ملل هر قدر آزادتر زندگی کنند، یگانگی بیشتری خواهند داشت. قانون اساسی و اصل ایالتی و ولایتی، کوشیده است که تمام مردم ایران را در تعیین سرنوشت کشور دخالت داده و رفع احتیاجات ایالات و ولایات را بخود آنها واگذار کند... در خاک آذربایجان مردمی زندگی می کنند که زبان و آداب و رسوم جداگانه ای دارند و می خواهند ضمن حفظ استقلال و تمامیت

جنبش 21 آذر که خود را ادامه دهنده جنبش های پیشین ( جنبش مشروطه، خیابانی، لاهوتی و... ) می دانست از سال ها پیش فعالیت خود را با حضور جوانان و روشنفکران پیرامون نشریه « آذربایجان » آغاز کرده بود و به ارزیابی ساختار اجتماعی، شرایط اقتصادی و خواسته های سیاسی جامعه آذربایجان پرداخته بود، در آذربایجان سنت انقلابی و پیش آهنگی در مقایسه با مناطق دیگر بیشتر بود زیرا شهرنشینی و افزایش سریع جمعیت از یک سو و ارتباط با کشور های مرزی که با آنها ارتباط فرهنگی و زبانی داشتند زمینه رشد سیاسی را فراهم کرده بود، مهاجرت هزاران کارگر و زحمتکش به مناطق قفقاز و جذب برخی از آنان در فعالیت های حزبی بویژه سوسیال دمکرات های روس و سپس مشاهده انقلاب اکتبر و دستآورد های آن زمینه ساز رادیکالیسم و تبدیل آن به سنت در آذربایجان شده بود که در دهه های بعدی این مهاجرت های کاری به مناطق جنوبی کشور، تهران، خراسان و شمال ادامه یافت که بیشتر مهاجرین و تهی دستان در حاشیه شهر ها اسکان یافتند بنابراین فرقه دمکرات آذربایجان پیش از تشکیل خود پایگاه و خواستگاه اجتماعی و سیاسی خود را در بین مردم آذربایجان که در سرتاسر ایران پراکنده شده بودند بوجود آورده بود، در نتیجه تشکیل و اعلام موجودیت آن کار شاق و مشکلی نبود، تنها مشکل کار مخالفت قدرت متمرکز در تهران و ارتجاع داخلی و خارجی بود که با ترس و نگرانی از پیشرفت آن در دیگر مناطق وحشت داشتند.

صدرالاشراف که به جلاهد مشروطه خواهان مشهور شده بود، با حمایت از خوانین ( نوالفقاری، بیگدلی، افشار، جهانشاهلو، اصائلو و...) و نیرو های ارتجاعی منطقه به جنگ پنهان خود با جنبش در حال تشکیل در آذربایجان ادامه می داد در این میان بحران نان و گسترش فقر و گرانی که با سیاست گذاری های اقتصادی دولت ( فروش غلات آذربایجان به انگلیس و حمل آن به جنوب و کاهش ارزش ریال در مقابل استرلینگ از 68 ریال به 140 ریال ) هر روز ابعاد وسیعتری بخود می گرفت، مردم آذربایجان را به ستوه آورده بود، زمینداران بزرگ با احتکار و فروش گندم خود به دولت که با کمک ژاندارم و ظلم و ستم تفنگداران خوانین همراه بود دهقانان را مجبور به ترک خانه و کاشانه خود می کرد که بیشتر آنها در

آزادی و خودمختاری می دهد، همچنان که در منشور آتلانتیک پیش بینی و به ملت ها وعده داده شده است ( منشور آتلانتیک بین روزولت رئیس جمهور ایالات متحده، چرچیل نخست وزیر بریتانیا، در 24 اوت پس از دیدار در روی کشتی در اقیانوس اطلس در رابطه با سرنوشت جهان بعد از جنگ در 14 اصل به امضاء رسید که با پایان جنگ کشور های متفق به آن پیوستند)

مردم آذربایجان با تمام توان از دمکراسی در ایران حمایت می کند و تشکیل حکومت ملی را برای اداره منطقه، حق خود می داند، آذربایجان در راه آزادی قربانیان بسیاری داده و مصمم است بنیاد های خود را بر دمکراسی استوار سازد و در این راستا کنگره بزرگ ملی را برای تشکیل حکومت ملی برگزار خواهد کرد.

مردم آذربایجان به زبان ملی و مادری خود وابستگی دارد و به این نکته آگاه است که تحمیل زبان دیگری به آن مانع از پیشرفت فرهنگی و توسعه اقتصادی و همه جانبه می شود، بنابراین در مدارس و ادارات دولتی از زبان آذربایجانی ( ترکی ) استفاده خواهد کرد و تا تشکیل مجلس ملی، کمیته ای به منظور اداره آذربایجان و اجرای این موارد تعیین می شود ( به نقل از ایران بین دو انقلاب بقلم پرواند آبراهامیان و گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش گروهی جامی )

قدم های اولیه و سازماندهی فرقه به سرعت پیش رفت، پیشه وری که برای نمایندگی در مجلس 14 همه مناطق آذربایجان را گشته و با مردم از نزدیک دیدار کرده بود و با مسائل و مشکلات آنان آشنایی کامل داشت، به این نتیجه رسیده بود که مرکز نشینان به فکر این مردم محروم و ستمدیده نیستند و با نوشته های خود در روزنامه « آذیر » آن را گوشزد می کرد ولی جواب قانع کننده ای دریافت نمی کرد و نشست هایی هم با شخصیت های سیاسی و ادبی آذربایجان در دفتر روزنامه برگزار می کرد، از سوی دیگر زمینه های عینی جنبش هم بقدری نمایان بود که آن را به زبان می آورد و می گفت: جنبش آذربایجان را پیشه وری بوجود نیآورده، این جنبش منعکس کننده خواسته ها و آرزوی خلق است، پیشه وری و همزمانش بعنوان طرفداران و مدافعین حقوق خلق و خواهان خوشبختی آنان نمی توانستند، نظاره گر این نهضت باشند.

ایران در اداره امور داخلی خود مختار باشند، آذربایجان می گوید: تهران به درد ما نمی رسد و از تشخیص و رفع احتیاجات ما عاجز است، از ترقی فرهنگ ما جلوگیری می کند.

تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان که یادآور غرور، خودباوری و رادیکالیسم انقلابی در جنبش های گذشته بود بار دیگر هیجان آفرید به یک باره چهره شهر و مردمی که در آن زندگی می کردند، دگرگون شد، شادی و شغف جایگزین چهره های عبوس و خودباخته گذشته گردید، مردم با خوشحالی، غرور و تبسم به هم نگاه می کردند، در اندک مدتی دفاتر فرقه در دورافتاده ترین نقاط آذربایجان گشایش یافت، ترس از ترس، ترس از خان و ژاندارم فروریخت، همکاری و همبستگی، یاری و دست گیری از نیازمندان بویژه از تهی دستان افزایش یافت، غرور ملی که سال ها با تحقیر و ستم پایمال شده بود روند بازسازی خود را آغاز کرد. مردم از همان روز های نخست، تابلو نام های ترکی را که سال ها قدغن شده بود بر سر در مغازه ها و کوچه ها بر افراشتند، تماشاخانه ها و هنرمندان نمایشنامه های ترکی را به روی صحنه آوردند که گویا سال ها انتظار آن را داشتند، سرعت کار و فعالیت به قدری زیاد و فشرده بود که گاهی رهبری فرقه را هم غافلگیر می کرد، از آن رو الحاق سازمان های نظامی و سیاسی و صنفی به فرقه دمکرات شتابزده و روز افزون بود، در 14 شهریور « انجمن آذربایجان » به فرقه پیوست و روزنامه آذربایجان به ترکی منتشر شد، دو روز بعد در 16 شهریور کمیته ایالتی حزب توده ایران و شورای متحده کارگران با همه اعضا بدون مشورت با مرکز ( تهران ) به فرقه پیوستند، در نتیجه پایگاه اجتماعی فرقه همواره در حال گسترش بود در 29 شهریور نشستی پیرامون خود مختاری با شرکت بیش از 325 نماینده که در بین آنان نمایندگانی از اقوام و ادیان گوناگون ( 11 نفر مسیحی ) شرکت داشتند تشکیل شد و بیانیه خود مختاری آذربایجان به تصویب رسید که نسخه ای از آن به حکومت مرکزی و کنسولگری برخی از کشور ها در تبریز فرستاده شد، در بخشی از این بیانیه آمده است.

مردم آذربایجان از لحاظ تاریخی، ویژگی های ملی، زبانی، فرهنگی و سنتی جداگانه اند که این ویژگی به آذربایجان حق

پس حاکمیت فرقه بر آذربایجان برقرار شد و در مدت کوتاهی بخش مهمی از برنامه فرقه به اجرا درآمد. ( خلاصه شده و برگرفته از روزنامه آذربایجان شماره های 78 و 80، به تاریخ 22 و 27 آذرماه 1324 ). اجرای این برنامه موجی از شادی و خود باوری را در آذربایجان بوجود آورد، شادی و هیجان آنچنان در جامعه گسترش یافت که قابل تصور نبود. خبر تشکیل دولت پیشه وری و حکومت ملی به سرعت در سرتاسر ایران به گردش درآمد، حکومت مرکزی و حامیان مرتجع آن با نگرانی و ترس به فکر فرو رفتند، برخی از روشنفکر نماها به تخریب، تحریف و تحقیر ادامه دادند و بار دیگر نوشتند که زبان ترکی تحمیلی از سوی « مغول های وحشی » است که باید هرکه زود تر از بین برود و برخی دیگر فریاد برآوردند که فرقه می خواهد آذربایجان را از ایران جدا کند و تبلیغات مسموم دیگری که هر روز ابعاد وسیعتری بخود می گرفت، پیشه وری در جواب نوشت: ما زبان مادری خود را با شیر مادر و هوای روح بخش میهنمان فراگفته ایم، آنهایی که به زبان ما توهین و تحمیلی می دانند، دشمنان قسم خورده ما هستند... روشنفکران تهران باید درک کنند که آذری ( ترکی ) یک لهجه گذرا نیست، بلکه زبانی خالص با ریشه های عمیق مردمی است... وظیفه ماست که آن را پرورش دهیم، نوسازی کنیم، افسونگریهایش را اشکار سازیم. ( پیشه وری، سخنی با روشنفکران فارس )

با آغاز کار حکومت ملی در آذربایجان کارشکنی، تحریم و فشار های اقتصادی و سیاسی مرکز فزونی گرفت، پول های نقد بانک ها قفل و به مرکز انتقال یافت، بعلت کاهش قیمت ها در آذربایجان انتقال مواد غذایی از آذربایجان به مناطق دیگر به سرعت افزایش یافت ولی پول آن به آذربایجان برگشت، در این میان از ورود قند و چای و سیگار به آذربایجان جلوگیری کردند. از آن رو در چند ماه پیش رو آذربایجان را گرفتار کمبود مواد غذایی و افزایش شدید قیمت ها نمود، پیشه وری برای پیشگیری از بحران به تدابیر سختگیرانه دست زد که خوشایند تجار و بازاری ها نبود، در نتیجه ناخشنودی بین بازار و حکومت ملی افزایش یافت. ولی اصلاحات اجتماعی و عمرانی فرقه بدون وقفه در حال اجرا بود. اصلاحات ارضی و تقسیم زمین ادامه یافت و شش هفتم از محصول به نسق

مجلس ملی در 21 آذر 1324 تشکیل دولت ملی را به پیشه وری پیشنهاد و با پذیرش آن از سوی پیشه وری مقدمات تشکیل هیئت دولت به سرپرستی پیشه وری مبارز دیرینه آذربایجان آغاز شد، پیشه وری، سلام اله جاوید را به وزارت کشور، کاویان را به وزارت جنگ، بی ریا را بعنوان وزیر آموزش و پرورش و افراد دیگری را در مقام وزارت پست و تلگراف، دارایی، دادگستری، بهداشت و بازرگانی به مجلس ملی معرفی کرد و رای اعتماد گرفت، در ترکیب هیئت دولت کسی را بعنوان وزیر امور خارجه انتخاب نکرد که نشانگر دولت محلی و خود مختاری برای پیشبردخواسته های مردم منطقه بود، در این میان مجلس ملی « فریدون ابراهیمی » حقوقدان جوان و پژوهشگر کنجکاو آذربایجان را که در کنفرانس صلح پاریس شرکت کرده بود بعنوان دادستان آذربایجان و « زین العابدین قیامی » را به ریاست دیوان تمیز انتخاب کرد، در پی آن پیشه وری برنامه دولت خود را که در راستای بیانیه 12 شهریور و کنگره ملی تهیه شده بود تشریح کرد که مورد تشویق مردم قرار گرفت.

پیشه وری برنامه دولت خود را در 20 ماده خلاصه کرده بود که با شناساندن مختاریت داخلی آذربایجان به جهان شروع می شد، در مواد بعدی به توسعه اقتصادی و عمرانی، تنظیم بودجه ملی، تشکیل قشون ملی با شرکت گروه های فدایی متشکل از نیرو های مردمی و داوطلب، آموزش به زبان مادری بطور اجباری و رایگان، رسمیت بخشیدن به زبان آذربایجانی ( ترکی )، تاسیس دانشگاه، تنظیم لایحه قانونی برای رفع اختلاف بین مالک و دهقان، تقسیم اراضی خالصه و املاک مصادره ای که صاحبان آنها آذربایجان را ترک کرده بودند، تنظیم جامع قانون کار، احترام به آزادی عقیده و بیان، قبول حقوق مساوی برای همه آنهایی ( کرد، ارمنی، آسوری و... ) که در آذربایجان زندگی می کنند و مشارکت زنان در انتخابات اشاره کرد که برنامه به اتفاق آراء مورد قبول واقع شد و به تصویب رسید. در این میان هیئتی متشکل از حقوقدانان جهت تدوین قانون اساسی به سرپرستی پیشه وری انتخاب شد و به دنبال آن فرماندهی لشکر 3 آذربایجان « سرتیپ درخشانی » در 22 آذرماه بعد از مذاکره با رهبری فرقه پادگان تیریز را خلع سلاح و سلاح های موجود را به فرقه تحویل داد، از آن

افزایش یافت، در نتیجه برخورد فرقه با حکومت مرکزی تند تر شد و سخنرانی‌های پیشه‌وری و دیگر اعضای فرقه نسبت به عملکرد حکومت مرکزی رنگ و بوی خصمانه تری گرفت.

حکومت مرکزی و شخص قوام حاضر به پایان مذاکره با حکومت ملی نبود، ۲ هفته بعد هیئتی را به سرپرستی مظفر فیروز معاون نخست وزیر به تبریز فرستاد و توافقنامه‌ای در ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ بین مظفر فیروز و پیشه‌وری به امضاء رسید بر اساس این توافق:

دولت مرکزی « نهضت دمکراتیک آذربایجان » را به رسمیت می‌شناسد.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی در آذربایجان و دیگر نقاط کشور تشکیل می‌شود.

استاندار و روسای ادارات با پیشنهاد انجمن ایالتی و با حکم دولت مرکزی تعیین می‌شود.

انجمن ملی آذربایجان بعنوان انجمن ایالتی پذیرفته و شناخته می‌شود.

۷۵ درصد از مالیات جمع‌آوری شده در آذربایجان به خود آذربایجان اختصاص داده می‌شود.

۲۵ درصد در درآمد‌های گمرکی به دانشگاه تبریز اختصاص می‌یابد.

راه آهن میانه - تبریز با هزینه دولت مرکزی ساخته و ارتباط برقرار می‌شود.

سازمان فدائیان به ژاندارمری تبدیل و نام « نگهبان » بخود می‌گیرد ( ژاندارمری براساس وظیفه و ساختار باید در امر وزارت کشور قرار گیرد ولی در زمان رضا شاه بطور غیر قانونی به ارتش وابسته شد)

تقسیم اراضی خالصه ادامه می‌یابد و لایحه قانونی آن در مجلس ۱۵ به تصویب می‌رسد.

دولت مرکزی تعهد می‌کند که برای انتخاب زنان و دمکراتیزه کردن انتخابات لایحه‌ای را با دو فوریت به مجلس ۱۵ تقدیم کند.

تشکیل شورای اداری آذربایجان مرکب از استاندار، روسای ادارات و هیئت رئیسه انجمن آذربایجان صورت گیرد.

داران اختصاص یافت، زنان در انتخابات شرکت کردند، تنبیه بدنی در مدارس قدغن شد، شوراها برای نظارت بر عملکرد بخشداران، شهرداران و ادارات دولتی تشکیل شد، فروشگاه‌های دولتی برای تثبیت قیمت‌ها افتتاح و مالیات بر مواد غذایی کاهش یافت، فعالیت‌های فرهنگی، رادیویی و انتشاراتی به سرعت گسترش یافت، نام شخصیت‌های برجسته مشروطه مانند ستار خان و باقرخان زینت بخش خیابان‌ها شد و کنسول بریتانیا در تبریز در گزارش خود نوشت: با یک سفر کوتاه به آذربایجان متوجه شدم که این حکومت محلی هوشیارتر، کارآمدتر و قویتر از حکومت پیشین فارس‌ها ظاهر شده است... در پشت عبارات پردازیه‌های تبلیغاتی و شعارهای آنان، وجود اشتیاق و میهن پرستی محلی راستین را احساس می‌کنم ( به نقل از ایران بین دو انقلاب، پروانده آبراهامیان، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی ص ۵۰۴ ) پیشرفت‌های سریع فرقه در منطقه و تشکیل گروه‌های فدایی برای حفاظت از دست‌آورد‌های نهضت، تهران را گرفتار ترس و وحشت کرد در نتیجه راه مذاکره را با حکومت ملی در پیش گرفتند تا فرصت لازم را برای حمله به آذربایجان فراهم کنند و از مشاورت نظامیان آمریکایی و بریتانیایی هم بهره‌مند شوند.

در بهمن ماه سال ۱۳۲۴ « قوام السلطنه » جایگزین دولت حکیمی شد تا باب مذاکره با حکومت ملی آذربایجان را باز کند، هرچند حکومت ملی آذربایجان و خود پیشه‌وری نسبت به عملکرد قوام بی‌اعتنا بودند ولی درخواست مذاکره را که از سوی قوام پیشنهاد شده بود پذیرفتند و هیئتی به سرپرستی پیشه‌وری به تهران رفتند در مسیر راه زحمتکشان آذربایجان فریاد می‌کردند که « هشیار باشید، اشتباه نکنید! آزادی ما به حرکت صحیح شما بستگی دارد این شعارها به شدت هیئت مذاکره‌کننده را تحت تاثیر قرار داد، مذاکره طولانی شد و قوام ابلاغیه‌ای ۷ ماده‌ای را مبنای مذاکره قرار داد مذاکرات در ۲ اردیبهشت ۱۳۲۵ آغاز شد و هیئت آذربایجانی ۳۳ خواسته خود را تقدیم دولت مرکزی کردند، نشست هیئت با مرکز و مذاکرات طولانی و نفس‌گیر به بن بست رسید و هیئت آذربایجان بدون توافق به تبریز برگشتند و در پی آن اقدامات دولت بر فشار اقتصادی به حکومت ملی آذربایجان

دماخ و ارگان های انسان ها را برینند و برخی را هم زنده زنده سوزاندند.

فرقه برای نشان دادن حسن نیت و بر اساس موافقتنامه تبریز تا تقسیم بندی استانی مجدد که زنجان به استان آذربایجان ملحق می شد، زنجان را از نفرات فدایی تخلیه کرد و قرار شد انتظامات شهر را بطور مشترک ( 300 نفر از فدایی ها و 300 نفر از افراد پلیس وابسته به وزارت کشور مرکز ) به عهده بگیرند که همراه با آنان نیرو های نظامی با تانک و نفر بر که از آمریکا در یافت کرده بود وارد زنجان شدند، هنوز قوام سخن از ایجاد نظم در انتخابات دوره 15 مجلس می گفت ولی نفرات نظامی با همه ادوات جنگی از چند راه و محور و ستون وارد آذربایجان شدند، در برخی از مناطق نفرات فرقه به مقاومت پرداختند ولی پراکندگی در رهبری فرقه در روحیه آنها تاثیر گذاشت و در نهایت ترک مقاومت از سوی سلام اله جاوید و میرزا علی شبستری صادر شد و برخی از نفرات فرقه برای بازسازی نیروی مقاومت به کوه ها و اطراف شهر ها پناه بردند. پیشه وری و برخی دیگر از افراد رهبری فرقه به فکر مقاومت و فرسایشی کردن جنگ و مبارزه با حکومت مرکزی بودند، که موافقتنامه خود را زیر پا گذاشته بود، ولی شرایط بگونه ای پیش رفت که آنها هم مجبور به پذیرش شکست شدند و در ساعت های آخر مجبور به گذر از مرز شده به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان پناه بردند..

حمله به آزادی و خاستگاه آن در آذربایجان از ماه ها پیش برنامه ریزی شده بود و از سوی ارتجاع داخلی و خارجی حمایت می شد و زمینه آن بعد از موافقتنامه تبریز فراهم آمد، از یک سو بحران اقتصادی که بخشی از آن ناتوانی حکومت ملی در پیشبرد اقتصاد و بخش دیگری از سوی دولت مرکزی تحمیل می شد، ناخشنودی را در آذربایجان افزایش می داد و از سوی دیگر خوش باوری و خوش بینی به وعده های حکومت مرکزی که با عملکرد آن در تضاد بود مایه دلسردی در بین نفرات فرقه و تهیدستان می شد زیرا اندکی از حقوق و مزایای نفرات فدایی بعلت بحران مالی و کمبود منابع کاهش یافت و همزمان دولت مرکزی شرایطی فراهم می کرد که سرمایه های آذربایجان به مناطق دیگر بویژه به مرکز سرازیر شود و این روند بحران اقتصادی، بیکاری و تورم را تشدید

تدریس در 5 کلاس ابتدایی به زبان آذربایجانی ( ترکی ) و در سایر مقاطع فارسی و ترکی پیش برود.

\_ زبان فارسی و ترکی هر دو به رسمیت شناخته شود.

\_ تا تصویب لایحه انتخابات انجمن شهر، انجمن کنونی بکا خود ادامه می دهد، و برخی از موارد دیگر که مورد اختلاف و نیازمند بحث طولانی تر بود مانند تعیین فرماندهان قشون و... به آینده موکول شد

آنچه در این توافقنامه برجسته است، شناسایی نهضت آذربایجان و تعهد دولت مرکزی برای تهیه لوایح دمکراتیک مانند شرکت زنان در انتخابات و اجرای تقسیم اراضی خالصه است که سال ها بعد محمد رضا پهلوی آن را دستاورد خود نشان داد و اجرای آن را انقلاب سفید نامید.

در بخش های پیشین گفته شد که عملکرد حکومت ملی در آذربایجان و استقبال مردم از آن وحشت در دل ارتجاع مرکز انداخت، در نتیجه تبلیغات گسترده ای از سوی دربار، ارتجاع حاکم به رهبری قوام شخصیت مرموز و کهنه کار رژیم به قدری کارگر افتاد که برخی از روشنفکران و روزنامه نگاران وابسته به ارتجاع هم زبان به انتقاد و گاهی یاهه گوئی گشودند، از کلماتی مانند متجاسر، بی وطن، اشرار، خائن، اجنبی پرست و.. استفاده کردند ولی قوام با توجه به شرایط، بویژه پایگاه اجتماعی و گسترده فرقه در میان مردم ( تهی دستان، دهقانان، کارگران، خرده بورژوازی و حاشیه نشین های شهری) مجبور به پذیرش خواسته های حکومت ملی در مذاکرات تبریز شد ولی همواره به فکر آن بود که مانع از گسترش آزادی خواهی در سایر نقاط کشور شود، بنابراین با استفاده از این مذاکرات و موافقتنامه ای که با حکومت ملی آذربایجان به امضاء رسیده بود و اندکی هم خوشبینی در روابط ایجاد شده و تنش کاهش یافته بود به فکر راه حل نظامی افتاد و پیش از آن به مسلح کردن خوانین و عشایری پرداخت که نسبت به فرقه دمکرات آذربایجان دشمنی و خصومت می ورزیدند، در این راستا نفرات خود را به طور مخفیانه برای شناسایی افراد فرقه در روستاها و شهر های کوچک به منطقه فرستاد، این افراد و نفرات مسلح ایلات ذوالفقاری، افشار، شاهشون و... در کشتار و جنایت افراد فرقه سبعیت و وحشیگری از خود نشان دادند، در برخی روستا ها گوش،

واقعی در دست نیست و آرشبو این جنایات با تغییر رژیم و برقراری جمهوری اسلامی هرگز باز نشد که نشانگر همسویی دو رژیم در این حادثه و برخورد با ملیت های گوناگون در ایران است ولی برخی به ارقامی اشاره کرده اند ( در همان روز های نخست دادگاه های صحرایی 2500 نفر را به اعدام، 8000 نفر را زندانی، 20 هزار کشته، 36 هزار نفر را تبعید و 70 هزار نفر هم مجبور به ترک کشور شدند ) همراه با آن تعداد زیادی هم برای حفظ جان خود مخفیانه آذربایجان را ترک کردند که برخی از آنها گمنام و برخی دیگر در تهران به شهرت رسیدند، از میان آنها به « ویگن » و « کارو » باید اشاره کرد که ویگن به یکی از خواننده های مهم و مطرح در موسیقی جاز و کارو وفادار به باورهایش تا آخر عمر از شعرای نامی کشور شد، در تبریز این دو جوان 17 و 18 ساله به ارتش حکومت ملی به نام « فدایی » پیوستند، این دو بعد از خاتمه حکومت ملی برای حفظ جان خود به تهران کوچ کردند ( دکتر علی بهزادی، شبه خاطرات، جلد 2، ص 430 )

در پی آن نسل کشی فرهنگی در 26 آذرماه 1325 آغاز شد، کتاب های درسی و دیگر آثار مکتوب و هنری مانند عکس ها، تابلوها، نشان ها، لوح ها و همه آنهایی که به زبان ترکی در منطقه نوشته و یا طراحی شده بود ( از کتابخانه ها، مراکز دانشگاهی و علمی، مدارس، خانه ها و حتا افرادی که نسخه ای در جیب داشتند ) در جشن کتابسوزان به آتش کشیده شدند این سیاست رسمی دولت مرکزی در راستای اهداف نژادپرستانه، خودبرتر بینانه و دشمنی با زبان ترکی بود که می خواست هویت یک ملت را نابود سازد، فرماندهان نظامی که گویا سرزمینی را به تصرف خود درآورده بودند برای نابودی فرهنگی کودکان را به صف می کردند تا با شادمانی کتاب های درسی خود را ( آنادیلی ) در آتش بیاندازند و در مقابل شیرینی دریافت کنند که از این حادثه غم انگیز خاطرات زیادی در دل تاریخ به یادمانده است، فرماندهان نظامی رادیو تبریز را که به زبان ترکی برنامه پخش می کرد، تعطیل کردند و در دانشگاه را تا سال بعد بستند، شوربختانه روشنفکران پایتخت نشین مهر سکوت بر لب زدند و اعتراضی از کسی دیده و شنیده نشد.

می کرد، در نتیجه از محبوبیت فرقه و حکومت ملی کاسته می شد، در این میان جنگ روانی مرکز برای ایجاد یاس و ناامیدی بطور روز افزون در حال گسترش بود تا به حملات نظامی یاری رساند.

ارتشی که به دستور حاکمان مرتجع تهران برای نسل کشی و جنایت فرهنگی وارد آذربایجان شده بود جنایت آفرید، کشتار به راه انداخت و کینه توزانه به کشتار خود ادامه داد، خیلی از روزنامه نگاران بی طرف ابعاد این کشتار و جنایت را در نوشته های خود منعکس کردند ولی نوشته های « ویلیام داگلاس » حقوق دان آمریکایی که به گردشگری، کوهنوردی و رابطه با مردم علاقه مند بود و با تیزبینی خود منطقه را در سال های 1949 و 50 گذشته و مشاهدات خود را در سال 1950 به چاپ رسانده، جلب توجه می کند، داگلاس در کتاب خود بنام « سرزمین های شگفت انگیز و مردمانی مهربان » می نویسد: آذربایجانی به ترکی سخن می گوید، مردم آذربایجان سخت کوش، جدی، شجاع و دلگشا هستند... دوستی با آذربایجانی همیشگی در ایام سخت و شادی است... با همه تبلیغات ضد حکومت ملی پیشه وری هنوز هم پشتیبانی مردم را دارد ولی در رابطه با ارتشی که آمده بود نظم انتخابات را برقرار سازد می نویسد: ارتش که وارد آذربایجان شد به غارت و تاراج دست زد به هیچ کسی رحم نکرد ( در مقایسه با سربازان روس رفتار بسیار نامناسب داشتند ) بنابراین ارتش نجات دهنده نبود، درنده و اشغالگر بود، زخم های فراوانی برجای گذاشت، خرمن دهقانان را آتش زد، زنان و دختران آذربایجان را مورد تجاوز قرار داد، خانه های مردم همراه با احشام آنان غارت شدند... همراه با ارتش مالکین فراری سر رسیدند، آنان همراه با کشتار حقوق مالکانه سال پیش را هم از دهقانان خواستند، در سرمای بسیار سوزان آن سال روستائیان بسیاری همراه با حیوانات از فرط گرسنگی و سرما تلف شدند، روستائیان برای زنده ماندن علف و ریشه درختان را می خوردند، در روستای « ندایی » خوی که 300 نفر زندگی می کردند، 50 نفر از فرط گرسنگی و سرما جان باختند. ( گذشته چراغ راه آینده است، پژوهش گروهی جامی، ص 446 ) از تعداد کشته شدگان ارتش شاهنشاهی در آذربایجان رقم دقیق و

اما افسران و درجهداران ضد اطلاعات و مامورین حریص ساواک حسرت آن را بر دل آنها گذارند، با آنان رفتاری چون اسیران جنگی در پیش گرفتند، کلیه وسایلشان را مصادره کردند و بازجویی از آنها آغاز شد، سوابق در فرقه، مسئولیت در حکومت ملی، وضع فرقه در آذربایجان (شوروی)، همکاری با کاب، گ، ب و صد ها پرسش دیگر که همراه با شکنجه های جسمی و روحی بود تا پرونده آنها سنگین تر شود و پرونده ها را به دادگاه های نظامی فرستادند، آنان به زندان های طولانی مدت (10 تا 15 سال) و چند مورد حبس ابد و اعدام بر آنها تحمیل کردند (محمد علی عمویی، درد زمانه، خاطرات زندان، ص 142) دشمنی، خصومت و کینه ورزی نسبت به فرقه دمکرات آذربایجان هرگز به پایان نرسید و تبلیغات دشمنانه با هذیان های گفتاری و کرداری مانند روز نجات آذربایجان همچنان ادامه یافت.

با ورود بخش مهمی از کادر رهبری فرقه و حکومت ملی به جمهوری سوسیالیستی آذربایجان روز های سخت و دشواری آغاز شد، عیب جویی های غیر واقعی، تنش های رفتاری و گفتاری که گریبان همه پناهندگان سیاسی را در کشور های مختلف می گیرد و گاهی با تنش پیش می رود، دامن برخی از نفرات فرقه را هم گرفت، علل شکست به بحث داغ و روز مره تبدیل شد تا آرامش در کشور میزبان بدست آید، یگانگی در زبان و فرهنگ مشترک باعث شد تا در شرایطی که شوروی تازه از جنگ رها شده و با کمبود های مهم روبرو بود، نفرات فرقه بازسازی خود را شروع کنند، در اینجا هم شخصیت پیشه وری سازنده بود، پیشه وری در ماه های نخست راه های برگشت و ادامه مبارزه را جستجو می کرد و به همین دلیل بعد از سازماندهی در باکو به مناطق دیگر نیز برای دیدار با نفرات فرقه مراجعت می کرد که در یکی از این مسافرت ها گرفتار سانحه رانندگی شد و درگذشت (در این باره دروغپردازی های زیادی منتشر شده است که گویا باقروف و یا شوروی در این حادثه دست داشته است، افسر خلیان میرتقی موسوی در این باره می گوید: رابطه پیشه وری با باقروف خیلی خوب همراه با احترام بود، قابل تصور نیست که مقامات شوروی یا شخص باقروف در این حادثه دست داشته باشند، من خودم در ارتباط نزدیک با این حادثه بودم، روز قبل از حادثه ما در گنجه بودیم و مهمان حزب و در مهمانخانه ای استراحت می کردیم، پیشه وری همراه با غلام یحیی و قلی اوف که زبان فارسی هم بلد بود برای سرکشی، تبادل نظر و کمک

کینه ورزی رژیم حاکم در تهران نسبت به فرقه دمکرات آذربایجان پایانی نداشت، هزاران نفر به مناطق جنوب و خرم آباد (بدرآباد) تبعید شدند و شکار طرفداران فرقه سال ها ادامه یافت تا قانون عفو عمومی با یک ماده و 2 تبصره در 26 مرداد ماه 1327 به تصویب مجلس شورای ملی به ریاست رضا حکمت رسید. در ماده واحد آن آمده بود: کلیه اشخاص که در غائله آذربایجان (1324 و 25) در استان آذربایجان و شهرستان زنجان مرتکب جنحه و جنایات سیاسی، یا جنحه و جنایات عادی مربوط به غائله مزبور شده اند (به استثنای مرتکبین قتل و غارت) و همچنین شرکاء و معاونین آنها اعم از اینکه تحت تعقیب بوده و یا به موجب حکم قطعی یا غیر قطعی محکوم شده اند و یا اساساً تا کنون مورد تعقیب قرار نگرفته اند از تعقیب و مجازات معاف می گردند و هیچگونه آثار کیفری به عمل آنان مترتب نمی شود... مقررات این قانون به هیچ وجه در حقوق مدعیان خصوصی موثر نیست، کسانی که بر اثر خاتمه غائله آذربایجان خاک ایران را ترک کرده اند و طبق این ماده باید مورد تعقیب قرار گیرند نمی توانند از مقررات مربوط به مرور زمان استفاده کنند در تبصره یک آمده: عده ای که بنام وزیر در حکومت پیشه وری شرکت داشتند مشمول این معافیت نخواهند بود، در تبصره دو هم پرداخت غرامت و استرداد وجوه دریافتی قید شده بود که نشانگر پایان ناپذیری دشمنی و کینه به افراد فرقه بود.

در تاریخ 30 فروردین ماه 1339 قانون مصادره اموال متجاسرین به تصویب رسید که نشان می داد که دشمنی با نفرات فرقه با گذشت چندین سال همچنان ادامه دارد در این جا باید به دستگیری آن گروهی اشاره شود که در پی مذاکرات با مقامات اتحاد شوروی خواهان برگشت به میهن بودند و به محض ورود به کشور از مرز عراق دستگیر شدند و لقب «باغ مهرانی ها» گرفتند، محمد علی عمویی در کتاب خود با عنوان «درد زمانه» می نویسد: در سال 1338 موافقتنامه ای بین دولتین ایران و اتحاد شوروی امضاء شد تا افرادی که تمایل به بازگشت دارند بدون پرونده سازی به کشور برگردند، تا روز های پایانی عمر خود را در میان کسان خود سپری کنند ولی به جای آن اسیر بازجویی های پایان ناپذیر ساواک و ضد اطلاعات ارتش شدند. آنان را یک راست به باغ مهران بردند، آنان با خود مقداری «رویل»، «دوربین عکاسی، ادوکلن، ابزار پزشکی، سماور و روشوی نیکلایی و... آورده بودند تا با فروش آنها سال های آخر عمر را بگذرانند،



عنوان عضو کمیته مرکزی و 4 نفر به عنوان مشاور انتخاب شوند. 5 عضو کمیته مرکزی عبارت بودند از غلام یحیی دانشیان، علی لاهرودی، بالاش آذراوغلی، حمید عافیت و اسماعیل پیش نمازی، با وحدت فعالیت های رادیویی بطور مشترک پیش رفت و روابط فرقه با کشور های دیگر بیشتر شد.

کنفرانس وحدت در شهریور سال 1338 با شرکت کمیته های مرکزی حزب و فرقه برگزار شد و برنامه و اساسنامه واحد مورد بررسی قرار گرفت، در اساسنامه پیش بینی شد که فرقه دمکرات آذربایجان همچنان نام و استقلال تشکیلاتی خود را حفظ خواهد کرد و مسئله ملی همواره مورد توجه حزب قرار خواهد گرفت. با انقلاب 1357 در ایران تعدادی از افراد فرقه از جمله « انوشیروان ابراهیمی » به میهن باز گشتند و در زندان های جمهوری اسلامی جان باختند.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فعالیت فرقه در آذربایجان محدود تر شد، تا جائیکه دفتر چندین ساله فرقه در مرکز باکو در سال 1992 مورد تهاجم برخی فرصت طلبان و تازه به دوران رسیده ها قرار گرفت و به تصرف آنها درآمد، سال ها بعد بار دیگر این ساختمان که متعلق به فرقه دمکرات آذربایجان بود در اختیار فرقه قرار گرفت ولی دفاتر فرقه در شهر های گوناگون جمهوری آذربایجان از دست افراد فرقه خارج شد، بعد از لاهرودی، واله قلی زاده به رهبری فرقه انتخاب شد و در 13 مهرماه سال 1398 در پلنوم وسیع فرقه خانم « عادلہ چرنیک بلند » بعنوان صدر فرقه از سوی نمایندگان انتخاب گردید، بنابراین فرقه دمکرات آذربایجان که در سال 1324 پایه گذاری شده همچنان در دهه هشتم خود ( 74 سالگی ) زنده و پویا به فعالیت های آزادی خواهانه خود ادامه می دهد و با ارتجاع حاکم بر میهن می رزمند.

در پایان باید یادآور شد که شکست فرقه دمکرات آذربایجان و حکومت ملی ضربه سهمگینی به دمکراسی کشور وارد کرد، قدرت متمرکز همه ابزار استبداد ( اقتصاد، نیروی نظامی، سیاست، تبلیغات و... ) را در دست گرفت و رژیم جمهوری اسلامی همان شیوه و ابزار را در دست گرفته و ادامه می دهد. تنها راه برون رفت و گذر از استبداد تقسیم قدرت متمرکز و تشکیل قطب های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گوناگون است که بر عملکرد یکدیگر نظارت داشته باشند و سرنوشت سیاسی خود را خود تعیین کنند، بنابراین خواسته های فرقه دمکرات آذربایجان هنوز به قوت خود باقی است و برای تحقق آن مبارزه می کند.....

و مساعدت به افراد فرقه به گنجه آمده بود، این سرکشی چند روز طول کشید، در روز آخر من « ملیکان » راننده شخصی پیشه وری را صدا کردم و ساعت حرکت را به وی گفتم و مبلغی هم در اختیارش گذاشتم تا در صورت نیاز در راه هزینه شود و تذکر دادم که با احتیاط رانندگی کند چون ایشان را از زنجان می شناختم، من با فروغیان بودم که قرار گذاشتیم پشت سر پیشه وری حرکت کنیم و به باکو برگردیم، بعد از بازجویی ها نشان داد که ملکبان شب میگساری کرده و خوابیده است، هنگام حرکت پیشه وری در صندلی جلو، قلی اوف و غلام یحیی هم در صندلی عقب می نشینند، با خواب رفتگی راننده ماشین از کنترل خارج می شود، دو چرخ سمت راست از اسفالت خارج شده با جدول بتونی کنار جاده برخورد می کند و بخش مهمی از ماشین داغون می شود، ما به موقع رسیدیم و پیشه وری هنوز زنده بود، به شدت زخمی شده بود و چگونگی حادثه را پرسیدیم، خواست با آن شرایط توضیح بدهد، از گفتارش چنین استنباط می شد که راننده ملکبان با سرعت رانندگی می کرد، فردای آن روز برادر پیشه وری دکتر « جواد زاده » هم به بیمارستان آمد و علت مرگ را خونریزی شدید تشخیص داد، از کتاب گوشه هایی از تاریخ آذربایجان و گفتگویی با یکی از سران فرقه، به کوشش دکتر محمد حسین یحیایی ( ص 362 ) با درگذشت پیشه وری تنش در رهبری فرقه بالا گرفت، مدتی پادگان صدر فرقه شد و « میر قاسم چشم آذر » به معاونت رسید تا در نهایت نوبت به غلام یحیی دانشیان برسد که در مسکو بود، در همه این مدت رادیو فعالیت خود را ادامه می داد و روزنامه آذربایجان هم منتشر می شد تا وحدت با حزب توده ایران مطرح شد.

بعد از کودتای سال 1332 که به سقوط دولت مصدق انجامید، تعداد بیشتری از افراد حزب توده ایران مجبور به مهاجرت به اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی شدند، نقرات

حزبی بیشتر در مسکو اقامت گزیدند، تا زمینه وحدت فراهم شود، در هر دو سازمان سیاسی مخالف وحدت کم نبودند، افراد فرقه تجربه بیشتری در مهاجرت داشتند و جایگاه خود را هم در موسسات علمی، صنعتی و کالخور ها پیدا کرده بودند و علائم سالخوردهگی هم که با محافظه کاری همراه است در رفتار آنها مشاهده می شد، حزبی ها جوانتر بودند و برخی هم به عملکرد حکومت ملی اعتراض و یا نقد داشتند. در پلنوم 4 حزب که در مسکو در تیرماه سال 1336 برگزار شد، موضوع وحدت مطرح شد و کامبخش و رادمش از آن به شدت پشتیبانی کردند ولی در پلنوم وسیع 7 اجرائی شد. بعد از آن کنفرانس وحدت در مسکو برگزار شد تا 5 نفر از اعضای فرقه به

**فرخنده باد 16 آذر روز دانشجو....**

با تمام تلاشی که امپریالیسم و حاکمان استبدادی بخرج دادند تا جنبش دانشجویی کشورمان را از مسیر مردمی و انقلابی خود جدا سازند و دانشگاه و دانشجو را در خدمت قدرتمندان و زورگویان قرار دهند، تاریخ نشان داد که موفق نبوده اند. جنبش دانشجویی با تمام وجود به مبارزه بر علیه استبداد و بی عدالتی ادامه داد و در سیر مبارزاتی خود جایگاه ویژه ای در میان خلق ها و زحمتکشان کشور بدست آورد. در تاریخ معاصر ایران جنبش دانشجویی در جریان مبارزات خلق های کشور برای رسیدن به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در صف مقدم مبارزات مردم بر علیه نظام های دیکتاتوری و استبدادی قرار داشته است. این جنبش ریشه در سنن مبارزاتی انقلاب مشروطیت دارد و در تمام مبارزات خلق های ایران بر علیه ستمگری ها و بی عدالتی ها نقش بارز و تعیین کننده ای داشته است.

جنبش دانشجویی ایران با تاسیس مدارس عالی و نخستین دانشگاه ایران در تهران آغاز و در سیر تکاملی خود به مبارزات ضد استبدادی علیه رضا شاه می پیوندد. و خیلی زود به عنوان یک نیروی آگاه تحول طلب وارد صحنه فعالیت اجتماعی کشور می شود. اعتصاب دانشجویان دانشسرای عالی در سال 1315 در شکستن سکوت فضای خفقان آور آن زمان نقش بسزایی داشت. این اعتصاب و اعتصابات دیگر در دانشکده فنی، پزشکی، حقوق، علوم و ادبیات دانشگاه تهران در سالهای 1315-1316 نشان رشد آگاهی و مبارزاتی دانشجویان آن دوره بود.

با سرنگونی رضا شاه در شهریور 1320 و آزادی های نسبی که بوجود آمده بود فعالیت دانشجویی نیز راه تشکل و سازماندهی جدیدی پیمود. این فعالیت ها به پایه گذاری اتحادیه دانشجویان دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندان پزشکی و آموزشگاه عالی مامایی، دانشکده های فنی، علوم و علوم کشاورزی انجامید. پس از سرکوب نهضت دمکراتیک آذربایجان، جنبش دانشجویی نیز زیر فشار و تضعیفات قرار گرفت. اما از سال 1326 آرام آرام فضای ایجاد شده را می شکند و اوج می گیرد. پس از ترور نا فرجام محمد رضا شاه در بهمن ماه 1327 سرکوب دانشجویان آغاز می شود. مسئولین رژیم در دانشگاهها کوشیدند در سال تحصیلی 1328

– 1327 دانشجویان را وادار کنند که با تعهد از هرگونه فعالیت صنفی و سیاسی محروم سازند. مبارزه بر علیه اقدامات مسئولین دانشگاهها به "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" منجر شد. در جریان اعتصاب 4 ماهه دانشجویان دانشکده پزشکی در سال 1329 دانشجویان به فکر افتادن تا یک سازمان متشکلی بوجود آورند. سرانجام در اردیبهشت ماه همان سال در گردهمایی بزرگی " سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، را تاسیس کردند. در دوران ملی شدن نفت مبارزات آزادیخواهی و ضد امپریالیستی دانشجویان به اوج خود رسید. در پی کودتای خونین 28 مرداد که توسط سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا سازماندهی و با همکاری نیروهای ارتجاعی داخلی صورت گرفته بود، بلافاصله تعداد زیادی از دانشجویان مبارز را دستگیر و سازمان دانشجویان دانشگاه تهران را غیر قانونی اعلام کردند. اما دانشجویان بر علیه این توطئه ارتجاع و امپریالیسم به پا خاستند و به مبارزه ادامه دادند. نخستین اعتصاب یک پارچه نیروهای ملی و وطن پرست بر علیه کودتا در 16 مهر 1332 سازماندهی شد. در این حرکت اعتراضی برای دفاع از استقلال کشور همه نیروهای ملی به رهبری حزب توده ایران، جبهه ملی و جمعیت مبارزه با استعمار شرکت داشتند. در آبان ماه همان سال به دعوت جمعیت ملی مبارزه با استعمار بار دیگر تظاهرات گسترده ای برای تامین آزادیهای دمکراتیک، آزادی مصدق و دیگر زندانیان سیاسی و ... سازماندهی شد. دانشجویان با تعطیل دانشگاهها به گردهمایی اعتراضی مردم پیوستند. سرانجام در یک هماهنگی گسترده دانشجویان دانشگاه تهران در 16 آذر 1332 علیه بسط و گسترش روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دعوت از ریچارد نیکسون، معاون آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا و انزجار از این دو کشور به خاطر طراحی و سازماندهی کودتا به اعتراضات مردم تهران پیوستند. دولت بر آمده از کودتا برای اشغال دانشگاه و دستگیری دوتن از دانشجویان دانشکده فنی به کلاس درس هجوم بردند. که با اعتراض و دانشجویان روبرو گردیدند. رئیس دانشکده فنی در اعتراض به این عمل شرم آور و نقض استقلال دانشگاه و زیر پا گذاشتن مراکز علمی تعطیلی دانشکده را اعلام کرد. در پی این کار خشم دانشجویان بر

دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی حاکم است. یورش نیروهای امنیتی به دانشجویانی معترضی که به دفاع از خواست دهها هزار انسان زحتکش و جان به لب بر خاسته بودند، همراه شد با ضرب و شتم و بازداشت.

با اینکه در روزهای نخست اعتراضات دهها دانشگاه را در کشور تعطیل کردند، اما دامنه اعتراضات به برخی از دانشگاهها از جمله علامه طباطبایی، علوم بهزیستی، تهران، گرگان، زنجان، تبریز، شیراز، ارومیه، سمنان، آزاد کرج و صنعتی اصفهان کشیده شد. نیروهای امنیتی وارد دانشگاهها شدند و دهها تن از دانشجویان را بازداشت کردند.

به گزارش شوراهای صنفی دانشجویان کشور فقط در جریان تجمع عصر و شامگاه دوشنبه ۲۷ آبان ۹۸ دانشجویان دانشگاه تهران چندین آمبولانس حامل نیروهای لباس شخصی وارد این دانشگاه شدند و دهها تن از دانشجویان را بازداشت کردند. با این حال با گذشت دو هفته هنوز آمار دقیقی از دانشجویان بازداشت شده در دست نیست.

علیرغم این همه جنبش دانشجویی همراه با مردم به مبارزه ادامه داده و نقش حساس و مهمی در تحولات سیاسی سالهای اخیر ایفا کرده است. در شرایط حساس تحولات منطقه و شرایط غیر قابل پیش بینی کشور، جنبش دانشجویی، وظیفه سنگینی بدوش می کشد. این جنبش در شرایطی که سازمانهای سیاسی دگر اندیش از فعالیت علنی در کشور محرومند، نقش تعیین کننده ای را بعنوان حلقه واسط بین گردانهای رزمنده با جنبش جوانان، زنان، کارگران، زحمتکشان و جنبش های ملی برای دفاع از بسط و گسترش آزادیهای واقعی و صیانت از استقلال و عدالت اجتماعی بازی کند. تجربه دهها سال اخیر نشان میدهد که دانشجویان با اتحاد و سازماندهی می توانند پیروزی های مهمی کسب کنند. دلیل این موفقیت آن است که مبارزات دانشجویی برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی با مبارزه مردم علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیسم، پیوند دارد.

انگیخته شد و شعار "دست نظامیان از دانشگاه کوتاه"، "درد بر مصدق" و "اتحاد، مبارزه، پیروزی" سراسر دانشگاه را پر کرد. نظامیان حکومت کودتا با رگبار مسلسل پاسخ دانشجویان را دادند. سه تن از دانشجویان مبارز مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریعت رضوی (از اعضای سازمان جوانان حزب توده ایران) و احمد قندچی (عضو جبهه ملی) با ضربه گلوله به شهادت رسیدند. و عده زیادی زخمی و دستگیر شدند. در روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر دانشجویان، دانش آموزان به همراه مردم تهران دست به تظاهرات گسترده زدند. گستردهی اعتراضات به حدی بود که دولت کودتا مجبور شد از عمل جنایتکارانه نظامیان ابراز ندامت کند. از آن پس روز ۱۶ آذر بعنوان روز دانشجو و روز مبارزه بر علیه استبداد، ارتجاع و امپریالیسم ثبت و شناخته شد.

نقش دانشجویان کشور در پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و دفاع از اهداف انقلاب و آزادی ها در چهل ساله تاریخ کشور غیر قابل انکار است. به همین خاطر در تمام این سالها جنبش دانشجویی به همراه نیروهای مترقی کشور زیر فشار نیروهای واپسگرا و ارتجاعی حاکم بر کشور بوده است. در همین رابطه عده ای جان خود را از دست داده اند، صدها دانشجو دستگیر و راهی زندان شده اند. هزاران نفر از تحصیل محروم شده اند. هجوم به کوی دانشگاه و کشتار خونین دانشجویان، ستاره دار کردن بسیاری از دانشجویان دگر اندیش و اخراج دهها استاد دانشگاه و ایجاد جو نظامی - امنیتی محیط دانشگاهها از جمله عملکرد حاکمیت جمهوری علیه دانشجویان و کادر علمی دانشگاهها بوده است تا آنها را به عقب نشینی و پذیرش وضع موجود وادار کنند.

امسال در شرایطی که استقبال گرامیداشت روز دانشجو می رویم که کشور در وضعیت بحرانی قرار دارد. جو امنیتی سنگینی به دنبال سرکوب خونین خیزش سراسری و گسترده مردم، بر علیه سه برابر شدن قیمت بنزین، در کشور بویژه در

**از مبارزات کارگران و زحمتکشان کشور حمایت کنیم!**

قادین لارین دوغوشدان اؤنجه و سونرا آلتی هفته معاشلی استراحتته چیخماسی. اوشاقلی قادین لارا سود وئرمک اوچون هر اوچ ساعتدا یاریم ساعت استراحت وئرلمهسی. کوویئر اتیولرین تشکیلی و فهلهر اوچون اعتراض حقوقو تانیماق، بیر مای گونو بین-الخالق فهلهر گونو رسمی یایرام کیمی قنید اندیلمهسی رسمیت تاپدی.

- ۲۵.۳.۱۳۲۵-جی ایلده تبریز ده ایلک دفعه اولاراق آذربایجان فهلهری نین قورولتایی کنجیریلهرک ایش و بیمه قانون لاری نین اجراسی یول لاری مذاکره اولوندو. فهلهرلرین یاشاییش شرایطی نین یاخشیلشدیریلماسی ایله یاتاشی، استحصالی آرتیریلماسی یول لاری دا مذاکره ائدیلدی.

- مرکزی حکومت خالقین میلی بانکدا اولان ۱۵۰ میلیون امانتینی تهرانا کؤچورمهسینه، آذربایجاندا باشقا منطقه لره اخراج اولان ماللارین پولونون قایتاریلماسی نین قارشسی سینی آلماسینا و بنله لیکله میلی حکومته اقتصادی تضییق ائتمهسینه باخمایاراق، آذربایجان حکومتی داخلی صنایع استحصالی اینکیشافی اوچون تدبیرلر حیاتا کنجیرمه سی قرارا آلدی. بو تدبیرلره اساساً میلی حکومت استحصالی یاخشیلشدیریلماسی اوچون مختلف یول لارا زاوودلارا مالیه یاردیمی ائتمهیه باشلادی

- مالیه و اقتصادیاتین اینکیشافی اوچون میلی حکومت ۵۰ میلیون کاپیتال یاتیریم یاتیرماقلا آذربایجان میلی بانکینی تاسیس ائتدی. سلمچیلیگین قاشی سینی آلدی. کوویئر اتیو و دؤولت مغازه رینی یاراتماقلا ضروری محصوللاری اوجوز قیمتلره خالقین اختیاریندا قویبدو. بیر میلیون ریال قیمتلی کاغیذ (پول) چاپ ائتمکله اجتماعیتده یارانمیش نقد پول بحرانی نین قارشسی سینی آلدی. بیرباشا وئرگی-توتما یولو ایله دؤولتین گلیرینی آرتیردی.

- میلی حکومتین یارانماسیندان ۷۰ ایلدن آرتیق کنچمهسینه باخمایاراق، خالقین یاردیمی ایله او دؤورده گورولن آبادلیق و انشاعات ایشلریندن دنمک اولار کی، هر بیر منطقه ده ایندی ده یادگار اولاراق قالماقدادیر. او جمله دن، آذربایجان میلی بانک، آذربایجان میلی مجلی سی، قیزلار گیمنازیاسی، تبریز اونیورسیتتی... تبریز موزه سی، تبریز و باشقا شهر، قصبه لره اولارلا مکتب، ایلمان سارای لاری، سینما، بیغینچاق سالونلاری، کوچهلرین آسفالت اولونماسی، پارک لارین سالیناماسی، کندلر آراسی یول لارین چکیللمه سی. کورپورلرین تیکیللمه سی و تعمیری. کهریزلرین و سو انبارلارین تیکینتی سی، بونا بنزر بیر چوخ ایشلرین گورولمه سینی گؤسترتمک اولار.

صحبیه و خالقین ساغلاملیغی ساحه سینده جدی آملار ائیلدی. او جمله دن، مختلف منطقه لره ۵۰ خسته-خانا و ساغلاملیق مرکز لری نین آچیللمه سی. مختلف کند و قصبه لره طب اوجاق لاری نین یارادیللمه سی. یولخوجو خسته لیکلرله مبارزه مقصدیله واکسیناسیا اصولونو اؤیرتمک

میلی حکومتین گوردوگو ایشلر و انتدیگی خیدمتلر آذربایجان خالقین شعوردا درین ایز سالمیشدیر. بو ایز و خاطرلر گلجه ده آذربایجان و ایرانین باشقا بؤلگه لری نده کؤلو ده-بییشیکلیک و اینکیشافین منبعینه چنوریه بیلر.

مرجع مرکزی دؤولت، اونون ال آلتیسی اولان فنودال لارین تحریبات لارینا باخمایاراق آذربایجان میلی مختار حکومتی اجتماعیتین زحمتکش و اورتا طبقه سی نین خئیرینه مختلف قانونلاری قبول اندیب اولنلاری ایجرا ائتدی. میلی حکومت حیاتا کنجیردیگی سیاسی، اقتصادی و مدنی تدبیرلرین تکجه ایراندا دنیل، بوتون اورتا شرق ده مثلی گورونمه-میشدیر. اجازمنیزله بورادا شاهیدی اولدوغوم بو گورولن تدبیرلردن بیر نچه نومونه سینی سیزلره بیان ائتمک ایسته-ییرم.

- اولکهمیزین تاریخینده ایلک دفعه اولاراق قادینلاریمیز سنچیب، سنچیلک حقوقونا صاحب اولدولار. کیشی لرله برابر مجلس، ایالت، ویلایت، محل و کند انجمن لری سنچکی لرینده اشتراک ائتمک حاقینا بیهلندی لر.

تحصیلین بوتون بیلهلرینده آنا دیلینده تحصیل آماق رسمیت تاپدی. بو حاق آذربایجاندا یاشایان باشقا دیل لره منسوب آزیقلارا دا شامل اولوردو.

- ۱۳۲۵.۱.۲۵-جی ایلده تبریزده ۶۰۰ نفردن عبارت تشکیل اولان کندچیلر قورولتاییندا تورپاق اصلاحاتی اوچون مالیک-رعیت آراسیندا مناسیبتلرین ده-بییشمه سی مذاکیره لرین سونرا خالصه و آذربایجاندا قاجیب میلی حکومته قارش ووروشان مولکهدارلارین تورپاق لاری مصادره اولوناراق تورپاق سیز کندچیلر آراسیندا بولونمه سی قرارا آلیندی. کند تصروفاتی اداره سی واسطه سی ایله مولکهدار و کندچی آراسیندا ایکی طرفلی راضی لوق اساسیندا مناسیبتلر ده-بییشدی.

- میلی حکومتین چیخاردیغی ایش و بیمه قانون لارینا اساساً، ۸ ساعت ایش واختی قرارا آلینماسی، جمعه گون لری استراحت گونو تعیین اولونماسی، رسمی تعطیل گونلرین معاشلی اولماسی، ایلیک معزونیت گونلرین اولماسی، ایلده ایکی دست ایش گنیمی نین وئرلمه سی، همکارلار اتقاقی نین یارادیللمه سی و بو تشکیلاتین واسطه سی ایله فهله و صاحبکار آراسیندا مناسیبتلرین نظاملانماسی، هر بیر فابریک، کارخانادا مینوموم، علاوه امک حاقی و گنجه ایشلمه سی اوچون امک حاقی نین وئریمه سی نین نیظما سالیناماسی، ۱۳ یاشیندان آشاغی اوشاق لارین ایشلمه سی نین قاداغان اولونماسی ۱۳-۱۶ یاشیندا اولان ینتی ینتمه لرین بالنیز پنشه اوؤیرنمه سی ایله علاقه دار ایش واختی ۴ ساعت معاشلی اولماسی. معاشین اؤدنیلمه قایداسی، فهلهرلرین معاشی نین اؤدنیلمه سی نین واجیب شرط اولماسی، مناقیسه لرین حلی شوراسی نین یارادیللمه سی، کیشی لرله قادین لارین معاش برابرلیگی نین اولماسی. قادین لارین آغیر ایشله مشغول اولمالاری نین قاداغان اولونماسی. حامیله

یاردیمی ایله شاه اوردوسو فنودال لاری، منطقه ارتجاعی لاری می تشکیلاتلاندیر اراق آذربایجانا وحشیجه سینه هجوم اندهرک اولکهمیزی قان دریاسینا بوغراق، اودا چکدی لر. مین لرله گونا سیز اینسانلاری قتل عام انتدی لر، اون مین لرله وطن اوولادلارینی اوز یورد-یواسینیندان دیدرگین سالدیلار.

آذربایجان میلی حکومتی نین دنویرلدیگی تاریخدن ۷۳ ایل کنجه سینه باخمایراق، آذربایجانلی لار باشقا خالق لارلا همدیل اولوب بیرگه مبارزه آپاراق ۱۳۵۷-جی گونش ایله بهمن انقلابی واسطه سی ایله شاملیق سولاله سینه سون قویدولار. یعنی په لوی سولاله سی خالقین مبارزه عزمی ایله ایران تاریخیندن سیلیندیر. لاکین چوخ چکمه دن ایران خالق لارین بو اینقیلابی دا قارشینا قویدوغو مقصدن اوزاق لاشاراق، مغلوبینه اوغردیغی نین شاهیدلری-بیق. یئنه ده ارتجاع آمانسیرجا اوز تالانچی سیاستینی داوام انتدیرمک اوچون اولکه خالق لارینا حاکم اولاراق و ظنیمیزین مترقی و اینقیلابچی قولرینی مهو ائتمه یه باشلادی.

آذربایجان دمکرات فیرقه سی نین عضو و طرفدار لاری! بیلدیگینیز کی، اولکهمیز درین بحران ایچینده چیرینیر. آرتیق بیجاق خالقین سومیونه دیرنیب. ۱۳۹۸-جی ایلین آبان آیین قیامی آیدین شکیلده بو هر طرفلی بحرانین درین لیگینی گوستردی. حاکمیت خالقین بو عصیانین دان قورخاراق اونو یاتیرماق اوچون قولرینی کوچملره چیخاراق اولکه اهالیسینه وحشیجه سینه دیوان توتدو. داخلی بحران دان علاوه منطقه و دونیانین شرایطی بو آغیر بحرانی داها دا درینلشدیرمیش دیر. بو مرکب شرایط اولکهمین میلی-دموکراتیک و اینقیلابچی قولرین وظیفه سینی چتینلش دیرمک نجه قات آتیرمیش دیر. بو آغیر شرایطه دوشمه نین حیلهرینی نظره آلاراق هر جور ایفراچی لوقدان اوزاق لاشاماق و بیرلی یئنه اولماق گونون ضرورتینه چئوریلیمیش دیر.

اینانیریک کی، اولکهمیزین خالق لاری چیگین-چیگینه وئرملکه بوتون چتین لیکلره سینه گریب و اوز دشمن لرینی دیزه چؤکدوروب آزاد، فراوان و فنرال ایرانی انشاء ائتمه یه قادیر اولاجاق لار.

بیر داها آذربایجان میلی حکومتی نین یارانماسی نین ایلدؤنومو مناسیبتله بوتون ایران خالق لارینی، آذربایجان خالقینی، اولکهمین مترقی و آزادیق سنور قولرینی تبریک اندیرم.

سیاسی محبوسلاری، شهید عائله لرینی، خصوصیه آبان آیین عصیانیندا شهید اولان لارین عائله لرینی سالاملاییر، اولارین قارشسی سیندا باش اییرم. بو آغیر و تهلوکملی شرایطه مبارزنی داوام انتدیرن زحمتکش لرین، قادین لارین، گنج لرین، طلبه لرین، معلم لرین، یازیچی لارین، اینجه-صنعت آدام لارینی و ژورنالیست لرین تک-تک اللرینی محکم سیخیرام. ظلم ایچینده باشایان خالقیمیزین خوشبخت باشاماسی و اولکهمیزین چچکلنمه سی امیدله.

دؤکتور عادلله چنرنیک بلند

۱۳۹۸-جی ایل آبان آیی

اوچون تعلیم مرکز لری نین آچیلماسی. تبریز اونوئرسیتتینده طب فاکولته سی نین یارانماسی. ممالیق اؤیرتمه مرکز لری نین آچیلماسینی آد آپارماق اولار.

ابتدای مکتبلر اوچون درس لیکلرین چاپ اندیلهرک نربایجانین مختلف ینرلرینه گوندریلمه سی. آذربایجان چاپ خاناسی نین تأسیس اندیلمه سی، تبریز و باشقا شهرلرده ۵۰ نوع مطبوعاتین نشری. جاوانلار و قادینلار اوچون ایلمان سالون لاری نین یارانیلماسی. تبریز و باشقا شهرلرده شاعر-یازیچی لار جمعیتی نین تشکیلی و اولار اوچون هر جور شرایطین یارانیلماسی. کند، شهر و زاوودلاردا ساوادی سیزلیقلا مبارزه آپارماق اوچون گنج کورس لاری نین تشکیلی، آذربایجان میلی حکومتی نین مدنیت ساحه ده گوردوگو اساس ایشلردن ساییلیر.

اینجه-صنعت ساحه سینده آذربایجان میلی تئاتری نین برپاسی، سابقه لی آکتیور و گنج اوغلان-قیزلار قروپونو یاراداراق اولار واسطه سیله آذربایجان شهرلرینده موختلیف سسناری لرین اجرا اندیمه سینی گوسترمک اولار. همچنین ایلک دفعه اولاراق تبریزده معاصر شکیلده موسیقی آنسانیلی تشکیل اولاراق اوز فعالیتینه باشلادی. موسیقی ساحه سینده اولارلا اینجه-صنعت خادیم لری و رقاس لار تربیه اولوندو.

- میلی تهلوکهمیزلیگی قوروماق اوچون پولیس و ژاندار سیستمینی لغو اندهرک حقوق-محافظه اورقان لاری نین باشیندا خالقین رغبتینی قازانمیش شخصلر تعیین اولوندو. اسکی ژاندار و پولیس لری فدای لر نظارتینده خیدمه جلب انتدیلر. بو کونوللو فدائی دستملری قولدورلاری محو ائتمکله اولکهمه ائله بیر امین-آمانلیق حؤکم سوردو کی، بو حیرت-اندیجی تدبیر میلی حکومتین دوشمن لرینی ده تعجب لندیردی.

- چیخاریلان قانونا اساساً نظام-انتظام قولرین فردی و اجتماعی اخلاق سیزلیغا قارشسی آمانسیر مباریزه لری نتیجه سینده نتمک اولار کی، تقریباً فاحیشه لیک، روشوتخورلوق، معنادارلین کؤکو کسیدلی. بومسنله لر باره ده بیر چوخ تاریخچیلر عینی فیکیرده دیرلر.

- ۱۳۲۶.۱.۲۵-جی ایله سیناق اولاراق تبریز رادیوسوندان "دانشیر تبریز" سسی انشیدیلرکن هر بیر آذربایجان و ایران آزادلیق سنورلری اورکدن سنویندیلر.

یوخاریدا قند اولونان لار آذربایجان میلی حکومتی طرفیندن بیر ایل مدتیله حیاتا کنچیردیگی چوخشاهلی تاریخی خیدمت لریندن بیر داملادیر. طبیعی کی، آذربایجان مختار دؤولتی طرفیندن گورولن بو تدبیرلردن ایران ارتجاعی و اونون خارجی حمایت دارلاری راضی دنیلیدی. چونکی مملکتیمیزین ترقی و اینکیشافیندان اولکه تالانچی لاری، غارتچی لری و اولارین غرب آغالاری نین- آمریکایا اینگیلتره دؤولت لری نین منافع لرینه ضد ایدی. اونا گوره ده آذربایجان میلی حکومتی و مهابات جمهوری تینی دنوریمک اوچون دریدن-قاییق دان چیخاراق مین بیر حیله یه آل آتدیلار. نهایت، آمریکایا و اینگیلتره نین

## فاجعه ای به نام نجات آذربایجان محمد رحمانی فر



کشور اصولاً موافق است اجرای آنرا بلامانع دانسته و لایحه مربوط آنرا در اولین فرصت برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود و آنچه از اراضی غیر در نتیجه تحولات اخیر آذربایجان بین رعایا تقسیم شده موافقت حاصل شد که جهت جبران خسارات مالکین و با تعویض املاک آن‌ها کمیسیونی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی تشکیل و راه حل جهت تصویب پیشنهاد نماید.

دولت موافقت می‌کند با افتتاح مجلس پانزدهم لایحه قانون انتخابات را که روی اصل آزادی و دموکراسی یعنی با تعیین رأی عمومی مخفی مستقیم متناسب و متساوی شامل نسوان هم باشد تنظیم و قول آنرا به قید فوریت خواستار شود. دولت همچنین قبول می‌نماید به منظور ازدیاد نمایندگان آذربایجان و سایر نقاط کشور به تناسب اهالی نقاط مختلفه به مجرد افتتاح مجلس پانزدهم لایحه قانونی را پیشنهاد به قید دو فوریت تقاضای آنرا بنماید تا پس از تصویب بوسیله انتخابات کسری نمایندگان نقاط مزبور تعیین و به مجلس اعزام گردند.

در مدارس متوسطه و عالی‌ترتیب زبان فارسی و آذربایجانی طبق برنامه وزارت فرهنگ با در نظر گرفتن شرائط زمان و مکان اصلاح موافق موازین دموکراتیک و اصول مترقی جدید تنظیم گردیده تدریس خواهد شد.

دولت موافقت دارد که اکراد مقیم آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۳ ابلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی به زبان خودشان تدریس نمایند.

تبصره - اقلیت‌های مقیم آذربایجان از قبیل آسوری و ارمنی نیز حق خواهند داشت تا کلاس پنجم ابتدائی به زبان خود تدریس نمایند.

تبریز تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ — مظفر فیروز --- پیشموری

هنوز هم می‌گویند در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ آذربایجان را نجات دادیم! از دست کدام دشمن خارجی؟ شوروی؟! شوروی که ماه‌ها پیش از لشکرکشی خونین شما آذربایجان را ترک کرده بود. اگر ترک نمی‌کرد که شما جرأت ورود به آذربایجان را نداشتید. از دست دشمن داخلی؟ کدام دشمن داخلی؟! شما که خودتان با فرقه دمکرات آذربایجان به توافق رسیده‌بودید و استاندار پیشنهادی فرقه را تأیید و منصوب کرده‌بودید.

چرا واضح سخن نمی‌گویید؟! چرا نمی‌گویید که به موجب موافقت‌نامه میان مظفر فیروز، معاون سیاسی احمد قوام نخست‌وزیر، و سید جعفر پیشموری در ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ تمامیت ارضی ایران تضمین شده‌بود و عملاً هم هیچ خطری آن را تهدید نمی‌کرد.

چرا نمی‌گویید شما تنها و تنها با هدف طفره رفتن از اجرای مفاد موافقت‌نامه مزبور به آذربایجان لشکرکشی کردید؟ مگر چه بندی در آن موافقت‌نامه بود که آذربایجان را تهدید می‌کرد و لازم بود شما نجاشش بدهید؟ آیا جز این است که شما به عنوان دشمنان واقعی مردم آذربایجان به آن حمله کردید تا از اجرای موافقت‌نامه‌مزبور طفره بروید؟

توضیح: برای اینکه نیت واقعی مدعیان نجات آذربایجان برملا شود، بخش‌هایی از مفاد موافقت‌نامه فوق‌الذکر را منتشر می‌کنم:

نسبت به وضع مالی آذربایجان موافقت حاصل گردید هفتاد و پنج درصد عواید آذربایجان جهت مخارج محلی اختصاص و بیست و پنج درصد جهت مخارج عمومی کلیه کشور ایران به مرکز فرستاده شود.

تبصره - ساختمان و تعمیر راه‌های شوسه اساسی بر عهده دولت و احداث و تعمیر راه‌های فرعی و محلی بر عهده انجمن ایالتی آذربایجان است.

تبصره - دولت قبول نموده که بیست و پنج درصد از عواید گمرکی آذربایجان جهت تأمین مصارف دانشگاه آذربایجان اختصاص داده شود.

دولت قبول می‌کند که امتداد راه آهن میانه تا تبریز را هر چه زودتر شروع و در اسرع اوقات انجام دهد. بدیهی است که جهت انجام این امر کارگران و متخصصین آذربایجانی حق تقدم خواهند داشت.

نسبت به اراضی ای که در نتیجه نهضت دموکراتیک آذربایجان میان دهقانان آذربایجان تقسیم گردیده آنچه مربوط به خالصجات دولتی است چون دولت با تقسیم خالصجات میان دهقانان و زارعین در تمام

## جشن 74 مین سالگرد نهضت 21 آذر برگزار شد!



در بخش پایانی دکتر عادلہ چرنیک بلند بعنوان شاهد زنده از دوران دولت ملی آذربایجان به رهبری سید جعفرپیشه وری، مشاهدات خود را به اطلاع حاضرین رساند. بازگو کردن عملکرد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت خودمختار آذربایجان (1324-1325) از زبان یکی از شاهدان عینی، شرکت کنندگان را به حیرت وا داشت.

عادلہ خانم با برشمردن شمه ای از فعالیت فرقه دمکرات آذربایجان در عرض یک سال، آن هم با وجود تمام موانع و مشکلاتی که دولت مرکزی و عوامل رنگارنگ ارتجاع داخلی و خارجی به وجود می آوردند، نشان داد که نیروی خلق می تواند، شگفتی های معجزه آسایی را خلق و تمام موانع را از پیش پای خود بردارد. تجربه گرانبهای جنبش 21 آذر، می تواند سنگ بنای محکمی برای نسل جوان و تمام کسانی که خواهان دولتی دمکراتیک و مترقی در آذربایجان و همه کشور هستند، باشد.

در پایان تعدادی از شرکت کنندگان نقطه نظرات خود را در ارتباط با مشکلات و مسائل روز بیان کردند. جلسه با امید به آینده و روزهای بهتر به کار خود پایان داد.

روز بیست سوم آذرماه در سالن اجتماعات جمعیت مهاجرین ایرانی مقیم جمهوری آذربایجان در شهر باکو، جشن سالگرد جنبش 21 آذر با حضور عده ای کثیر از اعضای مهاجرین و اعضا و هواداران فرقه دمکرات آذربایجان برگزار گردید.

ابتدا رفیق فریدون ابراهیمی صدر جمعیت مهاجرین ضمن تبریک به مناسبت سالگرد نهضت 21 آذر و اعلام یک دقیقه سکوت به خاطر و یاد در گذشتگان یک سال اخیر جمعیت و فرقه، گزارش مبسوطی از فعالیت و عملکرد جمعیت مهاجرین را در طی یک سال گذشته به اطلاع حضار رساند.

عملکرد یک ساله جمعیت علیرغم تمام مشکلات پیش رو، نشان داد که از رشد کیفی و کمی در خور توجهی برخوردار بوده است. به همین دلیل از سوی شرکت کنندگان مورد تشویق و تائید قرار گرفت.

سپس صدر جمعیت مهاجرین ایرانی مقیم آذربایجان به تعدادی از خانم های عضو تشکیلات زنان جمعیت، به پاس تلاش و خدماتشان در جهت رشد و ارتقای جمعیت در یک سال اخیر، دیپلم افتخار تقدیم کرد. شرکت کنندگان با شور و هیجان از این خانم ها تشکر و قدردانی کردند.

آنگاه دکتر عادلہ چرنیک بلند صدر کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان و از بازماندگان و فعالان نهضت 21 آذر به خانم ها سولماز توحیدی و هجر عمانی به خاطر کسب درجه عالی علمی در جمهوری آذربایجان، لوح تقدیر اهدا کرد.

حاضرین در جلسه به شدت خانمها هجر عمانی و سولماز توحیدی را مورد تشویق قرار دادند.

**فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.**

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان....

فرقه دمکرات آذربایجان، چنانکه در عمر 74 ساله خود نشان داده است، در کنار مبارزه علیه شوونیسم حاکم و هر نوع برتری طلبی نژادی دیگر، همچنان بر برادری همه ملیت های ایران تاکید می ورزد.

فرقه دمکرات آذربایجان همچنان بر این عقیده است که، سرنوشت ساکنان کشور ایران، چنان به هم گره خورده است که در مبارزه برای آزادی و گسستن زنجیر استبداد حاکم، هیچ راهی جز اتحاد با یکدیگر ندارند.

ما، همراه و دوشادوش همه آزادیخواهان ایران، در راه استقرار یک جمهوری دموکراتیک فدرالیستی، مبارزه می کنیم.

جاودان باد خاطره نهضت 21 آذر!

درد بر همه شهیدان و رنج دیدگان فرقه دمکرات آذربایجان!

زنده باد برادری و اتحاد عمل همه مردم ایران علیه استبداد!

پیروز باد پیکار مشترک مردم، در راه ایرانی آزاد، آباد و مستقل!

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان - 21 آذر 1398

جنبش 21 آذر مشعل دار جنبش عظیمی بود که رهائی مردم آذربایجان را سرآغاز گسستن حلقه های زنجیر ظلم و جور و استبداد در دیگر نقاط ایران می دانست. آذربایجان دمکرات، پرچمدار و پیشاهنگ آزادی همه مردم ایران بود.

دست آورد های تاریخی و فراموش نشدنی دوره یک ساله ، حکومت ملی دمکراتیک مردم آذربایجان به رهبری فرقه دمکرات آذربایجان و انقلابی بزرگ، سید جعفر پیشه وری، دشمنان سوگند خورده مردم ایران و رژیم سرسپرده، محمد رضا پهلوی را چنان به وحشت مرگ انداخت که سرانجام، با تدبیر، سازماندهی و حمایت و پشتیبانی ارتجاع داخلی و اهریمنی ترین محافل بین المللی، توانست در یورش ددمنشانه، آن را به خاک و خون بکشد.

در 74 - مین سالگرد 21 آذر، فرقه دمکرات آذربایجان، علیرغم تلاش های شبانه روزی دسیسه چینان و دشمنان آشکار و نهان خود، بار دیگر با صراحت تمام اعلام میدارد که با پای بندی به آرمان های مقدس بنیانگذاران خود و با تاکید بر روح بیانیه 12 شهریور، همچنان در راه دستیابی به حق تعیین سرنوشت ملت آذربایجان در داخل مرزهای ایرانی دموکراتیک تاکید می ورزد